



انجنیر فضل احمد افغان

کانادا: ۱۸ جنوری ۲۰۱۳ ل.

دست آورد ملاقات اوپاما و کرزی چه بود.

بلی جلالتماب حامد کرزی برای رسیدن هدف خود به آقای اوپاما اطمینان داد که مصونیت قضائی سربازان امریکائی را از به اصطلاح لویه جرگه حاصل و ملت را دستپاک خود و ذلیل میسازد و جلالتماب بارک اوپاما با گذاشتن ارج به ملت و عساکر خود اطمینان مصونیت قضائی را از آقای حامد کرزی حاصل کرد.

قبل از اینکه به اصل مطلب بپردازد با عرض احترام نکات مهله دو پیرگراف از متن کامل کنفرانس مشترک مطبوعاتی مؤرخ ۱۳ جنوری ۲۰۱۳م رئیس جمهور حامد کرزی و رئیس جمهور باراک اوپاما را برجسته نموده به توجه شما میرسانم.

آقای اوپاما فرودند که:

اول- به باور من، نگرانی اساسی رئیس جمهور کرزی که واضح است که شما این نگرانی را مسقیماً از زبان خود وی نیز خواهید شنید این است که مطمئن شویم که حاکمیت افغانستان مورد احترام قرار گیرد و اگر قرار باشد شماری از نیروهای ما پس از سال ۲۰۱۴م در افغانستان باقی بمانند، باید به دعوت حکومت افغانستان صورت گیرد و حکومت افغانستان باید با آن احساس راحتی و آرامش کند. (تبصره نویسنده: فرمایش فوق الذکر آقای اوپاما خود اعتراف مبنی بر این است که از ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م الی حال دخول عساکر امریکا به دعوت افغانستان صورت نگرفته و افغانستان کمافی السابق

الی امروز در اشغال است و حاکمیت ملی ندارد. لهذا ملاقات آقای اوباما با رهبر غیر ملی بوده و معاهدات که در طول سیزده سال گذشته صورت گرفته مدار اعتبار نیست و نیز موافقتنامه امنیتی آینده در دوره آقای حامد کرزی مدار اعتبار نخواهد بود.

دوام صحبت آقای اوباما: "من به رئیس جمهور کرزی میگویم و قبلاً نیز گفته ام که اینگونه تدابیر را در برخی از کشورها در سراسر جهان اتخاذ کرده ایم و در هیچ جای از جهان ما موافقتنامه امنیتی را بدون مصونیت قضایی برای سربازان خود عقد ننموده ایم. اینگونه من منحصراً سرقوماندانان اعلی نیروهای مسلح میخواهم مطمئن شوم که افراد ما در جهت اجرای مأموریت های دشوار محفوظ خواهند بود. به باورم، رئیس جمهور کرزی این مسئله را درک میکند. نمیخواهم که قبل از انجام مذاکراتی که هنوز هم در رابطه به موافقتنامه امنیتی باقی است، پیش دستی کنم اما منصفانه است که بگویم که حد اقل از دیدگاه من، امکان نخواهد داشت که پس از سال ۲۰۱۴م سربازان امریکایی بدون اطمینان در افغانستان حضور داشته و به نوعی تابع قوانین کشور دیگری باشند."

(تبصره: واقعاً آقای اوباما بحیث یک رهبر ملی موقف خود را بسیار واضح اعلان و حمایه قاطعانه خود را از نظامیان امریکایی ابراز داشت سوال این است که:

آیا منصفانه و عادلانه است که مجرمین امریکایی که در جولای سال ۲۰۱۱م بالای اجساد طالبان مرده ادرار و ویدیویی شانرا ترتیب و نشانمیدادند در امریکا محاکمه و هیچکس از واقعیت تطبیق فیصله محاکمه اطلاع نداشته باشد؟ و مجرم و یا مظنون افغان بدون محاکمه در زندان بگرامی سالها را سپری نماید؟

آیا منصفانه و عادلانه است که آقای Sergeant Robert Bales با حمله وحشیانه خود در دل شب مارچ ۲۰۱۲م ۱۷ نفر مرد، زن و طفل را در یک قریه ولسوالی پنجوایی به شهادت برساند، و برای قریب ملت افغان در امریکا سرو صدای محاکمه اش بلند و از تطبیق و سرنوشت مجرم خبری مؤثق به گوش افغانان نرسد؟ و مجرم و یا مظنون افغان سالها را در زندان گوانتانامو سپری نماید؟

همچنان خانم Nita Palmer یکی از خبرنگاران کانادایی به اطلاع از منابع خبری افغانستان مینویسد که قوای امریکایی در دل شب در ولسوالی چهار بولک بلخ چندین زن را بسیار ظالمانه بی عفت نموده و مردم قریه تهدید شدند که نام قریه را افشاء نکنند. آیا منصفانه و عادلانه است که برای دوام اشغال خود ملت افغان حتی حق افشای چنین واقعه و یا وقایع را نداشته باشد؟

آقای کرزی با خوشخدمتی به امریکا به نفع امریکا پا را فراتر از آقای اوبا گذاشتند یعنی فرمودند که: "موافقتنامه دوجانبه امنیتی بخاطر منافع هردو کشور مدنظر گرفته میشود. ما درک میکنیم که مسئله مصونیت قضایی از اهمیت بسیار خاصی برای ایالات متحده امریکا برخوردار است، چنانچه مسئله حاکمیت ملی و انتقال توقیفگاه ها به حکومت افغانستان و حضور دوامدار نیروهای بین المللی در قریه های افغانستان و چگونگی پیشبرد جنگ علیه تروریسم برای ما حایز اهمیت است."

تبصره: اگر توجه به تذکرات فوق الذکر آقای کرزی که به نمایندگی ملت افغان حرف میزد شود، دیده میشود که متأسفانه جناب شان بسیار ماهرانه با استفاده از کلمات و الفاظ فریبده چون "حاکمیت ملی" و "جنگ علیه تروریسم" به آقای اوباما اطمینان داد که برای برآورده شدن آرزوی امریکا آنچه جلالتماب اوباما میفرمایند با فریب و خدع در به اصطلاح لویه جرگه ساخته خودش که متشکل از عده ای از جهادیان جنایتکار خونخوار و وطنفروشان دهن پرآب زوردار و زردار خریده شده امریکا و بریتانیا خواد هند بود موضوع را حسب دلخواه امریکا و بریتانیا حل و ملت مظلوم و بیدفاع افغان را دستیاب دستان خود میسازد. آیا همین حاکمیت ملی و جنگ علیه تروریسم است که جلالتماب کرزی از آن یاد کردند و یا دوام نبود حاکمیت ملی افغانها و زمینه سازی برای جنگ طولانی در افغانستان و منطقه تحت نام پدیدهء

سیاهی تروریزم خود ساخته آمریکا و بریتانیا خواهد بود که بعد از شکست کامونیزم برای جهان کشایی شان ایجاد گردیده؟

وقتی حرف از جنگ علیه تروریزم و القاعده زده میشود به سوالی برمیخورم، یعنی این پدیدی سیاه تروریزم که با القاعده پیوند خورده و زاده آمریکا و بریتانیا است آیا کوتاه مدت است و یا دراز مدت؟ برای هدف مشخصی در یک مقطع زمانی خاص بوده و یا هدف از توسعه طلبی دوامدار غرب خاصاً آمریکا و بریتانیا در منطقه و جهان میباشد؟
برای اینکه موضوع روشنتر گردد میخوام بیانات دو شخصیت برجسته امریکائی را به توجه خوانندگان گرانقدر برسانم و آن این است که:

جمیز بیکر James Baker وزیر خارجه وقت آمریکا بتاريخ ۲۵ اکتوبر ۲۰۰۱م در چنل سی.ان.ان. CNN اعتراف کرد که: "اوسامه بن لادن را آنها (آمریکا) در افغانستان به مقابل روسها مؤظف نموده بودیم".

چند ماه قبل هیلاری کلینتن، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در یکی از جلسات کنگره به صراحت به نقش آمریکا در ایجاد سازمان تروریستی القاعده اعتراف کرد، و گفت که: "ما گذشته مشترکی با سازمان القاعده داریم. کسانی را که امروز



با آنها در افغانستان و پاکستان می جنگیم ۲۰ سال پیش خود ما به وجود آوردیم زیرا در جنگ علیه شوروی سابق از آنها استفاده می کردیم، وی افزود، ما القاعده را به وجود آوردیم زیرا نمی خواستیم شوروی سابق بر آسیای مرکزی چیره شود و ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا با مشارکت کنگره به زعامت دیموکراتها از طرح ایجاد القاعده جهت مقابله با اتحاد جماهیر شوروی استقبال کرد". (سایت وزین دعوت تاریخ ۲۹ دسمبر ۲۰۱۱م.)

حال توجه فرماید که یک جنرال پاکستانی چه میفرماید:
جنرال اسلم بیگ رئیس سابق قوای نظامی پاکستان بعد از ترک طالبان پاکستانی بصوب افغانستان بتاريخ ۲۵ فبروری ۱۹۹۵م نیز قبل از اشغال کابل توسط طالبان گفت که:
" هدف طالبان حفظ منافع غرب در آسیای مرکزی است. طالبان از افغانهایی تشکیل شده اند که در جنگ افغانستان یتیم شده اند، با کمکهای مالی آمریکا در مدارس و هابی تحصیل کرده اند." (افغانستان و ظهور طالبان، حسام الدین امامی)

حال سوالی وارد میشود که آیا با شکست اتحاد جماهیر شوروی وقت و اشغال ۱۳ سال اخیر افغانستان توسط آمریکا و بریتانیا اهدافشان در افغانستان، منطقه و جهان برآورده شده که لزوم به اخراج کلی قوای اشغالگر در سال ۲۰۱۴م دیده شود و یا خیر؟ و آیا واقعاً هدف از اشغال افغانستان آزادی افغانستان و مبارزه علیه تروریزم و محوه القاعده بود یا چیزی دیگری؟
برای جواب سوالات فوق بیا ببینیم که آقای اوباما رئیس جمهور آمریکا، آقای ولیام فاکس وزیر دفاع بریتانیا و آقای هوست کهلر رئیس جمهور آلمان در ارتباط موجودیت عساکرشان در افغانستان چه نظری داشته اند سپس در روشنی آن قضاوت عادلانه خواهد بود.

آقای اوباما در سفرش به افغانستان در خطاب به سربازانش فرمودند، "اگر منافع امریکا در افغانستان نباشد برای یکروزهم سربازان امریکائی درافغانستان نخواهند ماند." (روزنامه ویسا ۱۷جوزای ۱۳۸۹ یا ۷جون ۲۰۱۰م)

آقای ولیام فاکس وزیر دفاع بریتانیا قبل از سفرش به افغانستان بتاريخ ۲۲می در مقاله تایمز نوشت که: "حضور نیروهای بریتانیا در افغانستان برای کمک به امنیت جهان و بریتانیا در آنجا است، آقای فاکس در این مقاله اش گفته بود که: "ما برای این در افغانستان نیستیم که به کشور شکست خورده قرن سیزدهم کمک کنیم بلکه بخاطر مردم بریتانیا و امنیت جهان در آنجا حضور داریم"

وزیر دفاع بریتانیا ولیام فاکس نیز فرمودند که: "ما در افغانستان به این خاطر حضور نداریم که جامعه قرون وسطایی را کمک نمایم و یا دختر افغان را به مکتب برسانیم ما در اینجا بخاطر منافع خود آمده ایم."

همچنان آقای هوست کهلر رئیس جمهور المان در حاشیه سفرش به افغانستان گفت که: "اگر لازم باشد المان به عنوان یک کشور صادراتی در جهان باشد باید از خشونت نظامی برای باز نگه داشتن راه های حیاتی تجارت استفاده کند" اظهارات وی باعث شد از ریاست جمهوری المان استفاء دهد.

فرمایشات فوق الذکر سیاستمداران امریکا، بریتانیا و المان چیزی نوی نیست اگر اوراق تاریخ گشتانده شود ملاحظ میشود که سیاستمداران قبلی بریتانیا نیز اهداف و نیات شوم خود را چنین اظهار داشته اند.

لارڈ لیٹن Lord Lyton در زمان امارت امیر شیر علیخان چنین گفت که: "رهبرانی چون خانان قلات و امیر کابل بیش از گدیا و مهره هایی نیستند اگر ما مسابقه مهم امپراتوری بریتانیا را با روسها بازی نمیکردیم (The road to Kabul Brian Robson 1986) (تبصره: بلی شکست روس است که آقای اوباما در ختم کانفرانس مطبوعاتی مؤرخ ۱۳ جنوری ۲۰۱۳م با بی اعتنائی تام به حاکمیت ملی افغانستان مغائیر پروتوکول قبل از امیر کابل سالون را ترک و امیر کابل آقای حامد کرزی چون گدیگ در عقب آقای اوباما میدوید.) با تذکرات مطالب فوق به نتیجه میرسم که:

امریکا و بریتانیا چنانکه خودشان میفرمایند هنوز به هدف نهایی خود نرسیده اند یعنی آغاز بازی بزرگ که خواب آنرا دو قرن قبل برای رسیدن منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی شان درافغانستان، منطقه و جهان میدیدند میباشد. خدا کند که من در اشتباه باشم باید عرض شد که من از آغاز مسلح کردن تروریستان و گسیل نمودنشان به چینیا بر ضد اتحاد جماهیر شوروی وقت یعنی بین سنوات ۱۹۸۱م الی ۲۰۰۳م، ایجاد بیش از ۲۵۰۰۰ مدرسه برای تربیه جنگجویان و تروریستها در پاکستان، آوردن ده ها هزار عرب تحت رهبری اسامه بن لادن به پاکستان و افغانستان و بالاخره شکست اتحاد جاهیر شوروی به این باور بودم که با شکست کمونیزم پدیده سیاه تروریزم بین المللی و پیوند دادن آنرا با القاعده جاگزین مبارزه علیه کمونیزم که از اکتوبر ۱۹۱۷م آغاز گردیده بود میسازند به این معنی که در هر کشوری که منافع خود را ببینند در انجا با استفاده از نام پدیده سیاه القاعده و تروریزم نظامها و رژیمها را سقوط داده برای رسیدن منافعشان دولتهای دست نشانده خود را نصب و بنام مبارزه علیه تروریزم و القاعده استمرار قدرت میکنند، روی همین عقیده من باور داشتم و دارم که با خروج قوای اشغالگر اتحاد جماهیر شوروی وقت از افغانستان دولتمردان امریکا و بریتانیا با تبنای پاکستان، ایران، روسیه بعدی و نوکرانشان در مرحله اول توسط جنایتکارانی بنام رهبران جهادی و تنظیمی تمام قوایی نظامی افغانستان را که با پیشرفته ترین سلاح در منطقه مجهز بود تارومار کرده و با وارد نمودن طالبان

تربیه شده خودشان چنان شرایط زشت و خشن را بر ملت افغان مستولی سازند که جهان را تکان داده و ذهنیت جهان را برای اشغال افغانستان آماده سازند و ملت افغانستان را که در مقابل یک ابرقدرت سربلند برآمده بود بکلی مضمحل و شرايطی را بالای ملت افغانستان بیاورند که دست و پا بسته به پای امریکا و بریتانیا برای نجات وطنشان بی افتند. همان بود که امریکا و بریتانیا بعد از حادثه المناک ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م در نیویارک که توسط تروریستان عربی الاصل تربیه شده خود امریکا در امریکا و طیارات امریکائی صورت گرفت بدون اثبات پیوند دادن آن به القاعده و طالبان، بلاد رنگ افغانستان را بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م اشغال و سپس با صحنه سازی در کانفرانس (بن) که آغاز بدبختیهای ۱۳ سال اخیر میباشد یک تعداد جنایکاران خونخوار وحشی را به رهبری آقای حامد کرزی بقدرت رسانیدند و یک تعداد دیگری را که پشتون و افراطیتر بودند حق اشتراک در دولت آینده افغانستان ندادند و زمینه تداوم جنگ در افغانستان مخصوصاً مناطق پشتون نشین که در مجاورت تربیه گاهای شان در پاکستان میباشد مساعد ساختند که الی امروز گاهی نام از گروه ملا عمر، گاهی از گلب الدین حکمتیار و گاهی از حقانی بنام طالبانکه جنرال اسلم بیگ در فوق نام برده از اینجا و آنجا صدا را بلند و بنامهای این کانفرانس و آن کانفرانس، لویه جرگه عنعنوی، لویه جرگه مشورتی ولویه جرگه ملت مظلوم و ستمدیده را در فریبکاریها و خدع گیج و در حالت سراسیمگی قرار داده و افغانستان را بطرف بدبختیها و آینده نهایت تاریک در زیر سلط خود نگهدارند.

در نتیجه باید عرض شد که دست آورد ملاقات آخر جلالتماب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان با آقای بارک اوباما رئیس جمهور امریکا یکی دیگری از حيله ها و فریبکاریهای دولت امریکا با تباری دولت بریتانیا برای اشغال دائمی افغانستان و رسیدن به اهداف طویل المدتشان در افغانستان، منطقه و جهان چیزی دیگری نبود و ملت افغان به استثنای جنایتکاران زردار و زودار و ظنفروش قربانی امیال شوم امریکا و بریتانیا خواهد بود. و برای دوام اقامتشان صدای طبل مبارزه علیه تروریزم (القاعده)، مواد مخدره و فساد اداری هر روز از روز قبل بلندتر شده و گلو از آوردن آزادی، بازار آزاد و دیموکراسی برای ملت افغان و جهانیان پاره خواهند کرد تا بهر طریق دلخواه خود شان باشد بخون ملت افغان به اهدافشان در منطقه برسند، مگر اینکه حادثه مهم و حیاتی دیگری برای امریکا و بریتانیا در کشورهای خودشان و یا منطقه و جهان اتفاق افتد که مجبور به ترک افغانستان شده و افغانستان عزیز ما به یک آینده نامعلوم سوق داده شود.

خداوند مددگار ملت افغان و افغانستان عزیز باشد، دشمنان افغان و مادروطن عزیز ما روی سیاه باشند.

با عرض حرمت.

پایان